

دوتا ۵۳	بررسی کتابمقدس ۱۱
T = معلم ۱	S = معلم ۲
روح القدس : يك شاگرد يك خانواده مسیحي تشكيل می دهد (افسسیان ۶ : ۱ - ۴)	

(T) به برنامه " دوره شاگردسازی از رادیو " خوش آمدید . این مجموعه از بررسی کتابمقدس به شما کمک خواهد کرد که شاگرد عیسی مسیح شوید . دو معلم به اتفاق هم ، بررسی کتابمقدس را که در مورد یکی از جنبه های مهم شاگردی عیسی مسیح است ، انجام خواهند داد . ما از يك روش آسان بررسی کتابمقدس که دارای پنج قدم است استفاده خواهیم کرد . درحالیکه به این برنامه گوش می کنید در يك دفترچه ، یادداشت بردارید و یا برنامه را ضبط کنید . مجموعه دوم از شش بررسی کتابمقدس در مورد ۶ ارتباط مهم است : محبت مسیحی ، دوستی مسیحی ، رابطه مسیحی بین زن - مرد ، رابطه زنانوی مسیحی ، ارتباط مسیحی بین والدین و فرزندان و ارتباط با یوغ نابرابر . بررسی امروز کتابمقدس این است : يك شاگرد ، يك خانواده مسیحی تشکیل می دهد . سؤال اساسی این است " يك خانواده مسیحی یعنی چه ؟ "

(S) قدم ۱ . بخوانید .

بباید با هم افسسیان ۶ : ۱ - ۴ را بخوانیم . اجازه بده هر کدام به نوبت يك آیه بخوانیم .

(T) ای فرزندان ، وظیفه هر مسیحی این است که از والدین خود اطاعت کند . (S) اولین حکمی که با وعده همراه بود ، این است که پدر و مادر خود را محترم بدار . و وعده آن این بود : (T) تا کامیاب گردی و عمرت در زمین طولانی شود . (S) و شما پدران ، فرزندان خود را خشمگین نسازید بلکه آنان را با آموزش و پرورش مسیحی تربیت کنید .

(T) قدم ۲ . کشف کنید .

بباید بعضی حقایق مهم موجود در این متن را کشف و در مورد آنها بحث کنیم . کدام حقیقت موجود در این متن از نظر شما مهم است ؟ یا کدام حقیقت موجود در این متن فکر یا قلب شما را لمس می کند ؟ فکر کنید و پاسخ خود را در دفترچه یادداشتان بنویسید . بعد از چند دقیقه به نوبت اکتشافات خود را با یکدیگر در میان بگذارید .

(S) از نظر من يك حقیقت مهم در افسسیان ۶ : ۱ یافت می شود ، در متن اصلی نوشته شده است " ای فرزندان، زیرا شما در خداوند هستید ، بایستی از پدر و مادر خود اطاعت کنید . " بعضی فکری کنند این آیه بدین معنی است که فرزندان مسیحی باید فقط در صورتی والدین خود را اطاعت کرد که والدین آنها در خداوند و یا در مسیح باشند . اما این درست نیست . این فرمان به این معنی است که فرزندان مسیحی بایستی از والدین خود اطاعت کنند زیرا فرزندان، خودشان مسیحی هستند . در حالیکه بسیاری از فرزندان غیرمسیحی از والدینشان اطاعت می کنند ، فرزندان مسیحی بایستی از والدینشان اطاعت کنند چون مسیح فرمان انجام آن را بدیشان داده است ، فرزندان مسیحی حتی اگر والدینشان با ملاحظه ، منصف و مسیحی نباشند ، بایستی از آنها اطاعت کنند .

(T) از نظر من يك حقیقت مهم در افسسیان ۶ : ۴ یافت می شود ، " و شما پدران ، فرزندان خود را خشمگین نسازید بلکه آنان را با آموزش و پرورش مسیحی تربیت کنید . " درحالیکه فرزندان وظیفه اطاعت از والدین را دارند ، والدین نیز موظف به تشویق فرزندانشان می باشند . این قسمت در کولسیان ۳ : ۲۱ نیز نوشته شده است ، " و شما پدران فرزندان را آنقدر سرزنش نکنید که دلسرد و دلشکسته شوند " . چون دارای فرزند می باشیم مهم است که همیشه فرزندانم را تشویق کنم . گرچه آنها کامل نیستند نباید عمداً آنها را خشمگین کنم و روح آنها را برنجانم . پس تصمیم گرفته ام که مشوق باشم !

(S) قدم ۳ . سؤال .

بباید تمام حقایق موجود در این قسمت را درک کنیم و در مورد چیزهایی که درک نمی کنیم سؤال خود را بپرسیم . در این متن در زمینه های مختلف چه سئوالاتی وجود دارد که دوست دارید بپرسید ؟ فکر کنید و سئوالات خود را در دفترچه یادداشتان بنویسید . سپس در مورد آن سئوالات گفتگو کنید و پاسخ آنها را بباید .
سؤال اول . تا چه سنی فرزندان مسیحی باز هم والدین خود را اطاعت می کنند ؟

(T) در بعضی فرهنگهای دنیا ، به چه ها یاد می دهند که باید در سرتاسر زندگی و تحت هر شرایطی از والدینشان اطاعت کنند و تا هنگام مرگ ، پدر و مادر بر فرزندانشان اقتدار مطلق دارند ! مهم نیست که چه ها چند ساله هستند . تا زمانیکه پدر و مادرشان زنده هستند آنها بایستی از والدین خود اطاعت کنند .

اما برطبق کتابمقدس این فرهنگها در اشتباه هستند. در این جور فرهنگها والدین بر فرزندان بالغ خود فرمانروایی می کنند و بچه ها را مجبور به اطاعت می سازند حتی اگر والدین آنها خودشان در اشتباه باشند و مرتکب شرارت شوند! اجازه بدهید نمونه خود عیسی را در نظر بگیریم. در لوقا ۲: ۵۱ می خوانیم که وقتی عیسی هنوز طفلی ۱۲ ساله بود از والدینش اطاعت می کرد. در حالیکه در مرقس ۳: ۲۲، ۳۱ - ۳۴ می خوانیم وقتی عیسی بزرگ و مشغول کار زندگی خود شد دیگر مطیع والدینش نبود و آرزوهای آنها را به جا می آورد. او شخصی بالغ با مسئولیتهای مستقل در زندگی خود بود. به علاوه، در متی ۱۰: ۳۷، کتاب مقدس بروشنی تعلیم میدهد که ما باید خدا را، بیشتر از والدین خود اطاعت کنیم. پس کتابمقدس تعلیم نمی دهد که مسیحیان بایستی والدینشان را در سرتاسر زندگیهایشان و تحت هر شرایطی اطاعت کنند بلکه کتابمقدس می گوید مسیحیان تا وقتی که هنوز کودک هستند بایستی آنها را اطاعت کنند یعنی تا وقتی که زیر سن بلوغ، نابالغ و وابسته به والدین خود می باشند. بزرگسالی، هنگامی شروع می شود که مسیحیان خانه والدین خود را ترک می کنند یا وقتی که دیگر وابسته به والدینشان نمی باشند یا وقتی که ازدواج می کنند. پس اطاعت از والدین دارای محدوده زمانی است. فرزندان تا زمان بزرگسالی باید والدینشان را اطاعت کنند، اما بایستی همیشه به پدر و مادر خود احترام بگذارند.

سؤال دوم. راههای عملی احترام گذاشتن به والدین کدام ها هستند؟

(S) " احترام گذاشتن " یعنی " توجه کردن زیاد "، نشان دادن توجه و محبت کردن بدون اکراه و بدون انگیزه های خودخواهانه یا ترس. مثالهای زیر به ارتباط تمام مردم جهان در دوران کودکی، نوجوانی و بزرگسالی خود با والدینشان، ارتباط با والدین همسرشان و به ارتباط آنها با خدا به عنوان پدر آسمانی اختصاص داده شده اند. پنج راه برلی بی احترامی یا احترام گذاشتن به والدین خودتان یا والدین همسران و خدا به عنوان پدر آسمانی وجود دارد.

اول. با بحث نکردن، به والدین خود احترام بگذارید. با آنها بر سر مسائلی که ارزش واقعی روحانی ندارد بحث نکنید. برای مثال بر سر اینکه چه لباسی برای پوشیدن مناسب است یا اینکه کدام برنامه تلویزیونی را باید دید یا کارهای خانه را چه کسی باید انجام دهد. بحث کردن باعث می شود که والدین احساس کنند نظراتشان مسخره است. چطور می توانید به والدینتان احترام بگذارید؟ به آرامی بر نقطه نظر خودتان تأکید کنید و اجازه دهید که خدا به شوه ای که او را خشنود می سازد، آن را تغییر دهد. به این ترتیب شما ایمانتان را نشان می دهید به اینکه خدا بر هر شرایطی خدا مسلط است و توانایی انجام آنچه برای شما بهترین است را دارد.

دوم. با اهمیت دادن به پیشنهادات و مشورتهاشان، به والدین خود احترام بگذارید. وقتی بدون توجه، مشورت والدینتان را رد می کنید آنها را بی احترام کرده اید. چگونه می توانید به والدینتان احترام بگذارید؟ هرگاه والدینتان پیشنهاد یا مشورتی به شما می دهند از آنها یاد بگیرید. هر وقت فرصتی پیش می آید از سالهای تجربیات و حکمتی که لدوخته اید استفاده کنید. به خصوص در زمینه قوتها، استعدادها، دانش و مهارتشان از آنها چیزهایی یاد بگیرید.

سوم. با دخالت دادن آنها در زندگی شخصیتان، به والدین خود احترام بگذارید. وقتی اجازه نمی دهید که والدینتان بدانند به چه فکر می کنید، چه احساسی دارید و واقعاً چه می کنید آنها را بی احترام کرده اید. همینطور وقتی اجازه نمی دهید که والدینتان بدانند چه برنامه ریزی کرده اید و به آنها هیچ فرصتی نمی دهید که بر قشقه های شما تأثیر گذارند. وقتی والدینتان را در تقریحات، دردها، خوشی ها و در لیب های که می بینید شریک می سازید آنها را بی احترام کرده اید. روش حذف والدین از زندگی و تصمیماتشان باعث می شود که آنها احساس کنند ارزش ارتباط با شما را ندارند! چگونه می توانید به والدین خود احترام بگذارید؟ با والدین خود ارتباط برقرار کنید. بعضی اوقات اینکار مشکل است اما هنوز هم یکی از بهترین روش ها برای احترام گذاشتن به والدین محسوب می شود. برای حرف زدن با آنها قدم اول را بردارید. در مورد فعالیتهایتان، آنچه که در مدرسه یا سرکار انجام می دهید، آنچه با دوستانتان و یا در کلیسا انجام می دهید، با آنها صحبت کنید با آنها در مورد آنچه که به آن ایمان دارید، در مورد خدا. مردم و دنیا، در مورد اعتقادات مسیحی، آنچه فکر می کنید یا برای انجام آن نقشه کشیده اید، صحبت کنید. با دخالت دادن آنها در قشقه ها و تصمیماتتان به آنها احترام بگذارید. به تجربه و حکمت والدینتان احترام بگذارید و مشورت آنها را جویا شوید. حتی اگر تصمیم نهایی شما خلاف خواسته های آنها باشد ولی در آنها این احساس را ایجاد می کنید که به حرف آنها گوش کرده اید و نظرات آنها را جدی گرفته اید.

چهارم. با خدمت کردن آنها، به والدین خود احترام بگذارید. اگر فقط در صورتی والدین خود را خدمت می کنید که خود آنها از شما خواهش کنند، آنها را بی احترام کرده اید. تمرین کنید که به این موضوع توجه داشته باشید که کجا می توانید خدمت کنید، در کجا کسی به خدمت شما نیاز دارد و یا کاری هست که دیگران اشتیاق یا توانایی انجام آن را نداشته باشند و شما می توانید آن را انجام دهید. قدم اول را در خدمت کردن و کمک کردن بردارید و منتظر این نمائید که والدینتان از شما چیزی بخواهند.

پنجم. با دوست داشتن والدینتان، آنها را محبت کنید. وقتی شما فقط برطبق ضروریات فرهنگی به والدینتان محبت نشان می دهید مثل ملاقات کردن آنها هدیه دادن به آنها و انجام خولسته هایشان، واقعاً آنها را بی احترام کرده اید. محبت خالص مسیحی چیزی فراتر از تعصباتی است که از نظر فرهنگی ضروری به شمار می روند! محبت مسیحی نسبت به

قصورات صبور است و اشتباهات آنها را می بخشد . وقتی که مسیحی می شوید والدینتان می ترسند که اطاعت شما از عیسی مسیح برای شما اثرات منفی داشته باشد . می ترسند که شما تحصیلاتتان را به خوبی انجام ندهید ، کار خوبی نتوانید بدست آورید در زندگی موفق نباشید و نتوانید پس اندازی داشته باشید تا از والدینتان حمایت مالی بکنید . می ترسند که فرهنگتان را از دست بدهید و خدای آنها را خشمگین سازید . ایمان مسیحی خود را با دقت برای آنها توضیح دهید و به آنها ثابت کنید از طریق آنچه عیسی مسیح برای شما انجام داده است شما تبدیل به شخصی مسئول تر و با محبت تر شده اید .

سوال سوم . فکر می کنید پدران چگونه می توانند فرزندانشان را مایوس کنند ؟

(T) “ مایوس کردن ” یعنی “ ناامید کردن ” . راههای زیادی هست که پدران از طریق آنها ممکن است فرزندانشان را ناامید کنند . با مشاهده عکس عمل بچه ها نسبت به والدینشان می توانید بفهمید که چه چیزهایی فرزندان را ناامید می کند . برای مثال تحریک پذیر و خشمگین و افسرده شدن ، گوشه گیری و حمایت نکردن از والدین نشانگر این است که پدر بایستی شیوه رفتارش را نسبت به فرزندان عوض کند . یک پدر چگونه می تواند احترام را به فرزندان منتقل کند ؟ فکر می کنم از این راه که اجازه دهد این سه چیز در فرزندش رشد کند : رشد مسئولیت پذیری ، رشد اعتقادات شخصی و رشد روابط بالغانه آنها .

اول . اجازه دهید که پسران و دختران شما مسئولیت پذیر رشد کنند . اگر هدف شما راضی کردن فرزندان است احتمالاً آنها را لوس و خودخواه و بوالهوس بار می آورید . اگر به آنها بیاموزید که در ارتباط با قسمتهایی از زندگیشان مسئولیتهای بیشتر و بیشتری به عهده بگیرند تبدیل به شخص بالغ مسئولیت پذیری خواهند شد ! برای رشد مسئولیت پذیری چهار مرحله وجود دارد : در مرحله اول تمام تصمیمات را شما برای فرزندان می گیرید . این مرحله را وقتی بچه ها هنوز خیلی جوان هستند انجام می دهید . با تصمیماتی که می گیرید بچه ها آنچه که صحیح و آنچه غلط است می آموزند . اما در حالیکه بچه ها رشد می کنند بایستی مسئولیتهای بیشتر و بیشتری را به آنها بسپارید . مرحله دوم . مرحله انتخاب و تصمیم گیری و انجام آنها همراه با فرزندان می باشد . این مرحله بخصوص وقتی بچه ها به مدرسه ابتدایی می روند انجام می دهند . نمونه خوبی برای آنها باشید و همچنین معیارهای کیفی و قوانین خانوادگی وضع کنید . در مرحله سوم به فرزندان اجازه می دهید که برای خودشان انتخاب کنند و تصمیم بگیرند . اما باز هم احتیاج به تأیید و نظارت دارند . این مرحله را بخصوص وقتی بچه ها به دبیرستان می روند انجام می دهند . آزادی بیشتر آنها بستگی به مسئولیت پذیری بیشتر و پاسخگویی آنها نسبت به شما دارد . مرحله نهایی این است که اجازه دهید که فرزندان هر چیزی را خودشان انجام دهند . اکنون آنان بزرگسالان بالغ شده اند و نه نسبت به شما ، بلکه به خدا برای هر چیزی که انجام میدهند ، مسئول و پاسخگو هستند . بعضی قسمتهای مهم برای آموزش مسئولیت پذیری عبارتند از : تکالیف مدرسه یا شغل ، روابط خانوادگی ، پرهیزگاری ، حمل پول ، به تنهایی سفر کردن ، ایجاد دوستی و رشد روابط شخصی با خدا .

دوم . اجازه دهید که پسران و دختران شما در اعتقادات شخصی خود رشد کنند . تا زمانی که توقع دارید بچه ها به طرف اعتقادات و عقاید شخصی شما کشیده شوند ، هرگز در ایجاد اعتقادات و عقاید شخصی رشد نخواهند کرد . پس توقع نداشته باشید فرزندان به صورت مطلق از اعتقادات ، ایمان ، ارزشها و اولویتهای شما اطاعت کنند . بلکه آنها را تشویق و کمک کنید تا در ایجاد اعتقادات ، ایمان ، ارزشها و در داشتن عقاید سالم رشد کنند و کمک کنید تا آنها را بر اساس کتابمقدس بنا کنند ! بدین ترتیب آنها اشخاصی بالغ و مسئول خواهند شد . رشد اعتقادات دارای سه قدم است . قدم اول . اجازه دهید که فرزندان حقایق کتابمقدس را برای خودش کشف کند . قدم دوم . اجازه دهید که فرزندان خودش کاربرد آن حقیقت را انتخاب کند . قدم سوم . نتایج کاربرد او را با یکدیگر مورد گفتگو قرار دهید . برای مثال ، در ارتباط با مسئله لباس پوشیدن کتابمقدس دارای دو اصل است . یعنی اینکه لباس بایستی از نظر اخلاقی پذیرفته باشد و مردم را به گناه و سوسه نکند و بایستی از نظر فرهنگی مناسب شرایط باشد . این دو اصل برای تصمیم گیری محدودیتهایی را ایجاد می کند . در این محدوده فرزند شما انتخاب آزادانه دارد . فرزند شما انتخاب می کند یا تصمیم خود را می گیرد و شما نتایج انتخاب و تأثیر آن را بر سایرین و خودش مورد گفتگو قرار می دهید .

سوم . اجازه دهید که پسران و دختران شما ارتباطات بالغانه برقرار کنند . هدف شما نباید ایجاد استقلال باشد بلکه وابستگی سالم به یکدیگر . کتابمقدس هر ایماندار را در یک خانواده خاص ، در یک کلیسا و در اجتماعی خاص قرار می دهد . نظریه کتابمقدس نسبت به دنیا شامل افراد به صورت جداگانه نیست یعنی اینکه هرکس راه خود را برود . بلکه افراد در خانواده ها ، در کلیساها و در اجتماعات . نظریه کتابمقدس نسبت به دنیا این است که همه ما به یکدیگر نیاز داریم و نسبت به هم سهم خاصی داریم که انجام بدهیم . پس به بچه هایتان کمک کنید تا دوستان خوبی پیدا کنند . با مردم اجتماعات مختلف و با زمینه های اجتماعی متفاوت ارتباط برقرار کنند و با جنس مخالف رابطه سالم ایجاد کنند .

سوال چهارم . والدین مسیحی بایستی چگونه فرزندانشان را تربیت کنند ؟

(S) دو مسئولیت اصلی پدر ، محبت کردن به مادر و فرزند و تربیت فرزندش می باشد ! تربیت بچه ها طبق دستور خداوند یعنی آموزش حقایق کتابمقدس به فرزندان است . تربیت بچه در تعلیم خداوند یعنی اینکه فرزندان در عمل از حقایق کتابمقدس اطاعت کنند .

اول . فرزندانتان را طوری تربیت کنید که شهروندان خوبی برای این دنیا باشند . . مهمتر از همه ، تربیت به این معنی است که بچه ها را تمرین دهید حقایق را به اجراء گذارند . تربیت یعنی “ تشویق دوباره و دوباره آنها ” . بعضی مواقع تربیت کردن به معنی نظم بخشیدن یا تنبیه کردن است . با آموزش زندگی شخصی در زمینه های زیر ، فرزندانتان را طوری تربیت کنید که شهروند خوبی برای این جهان باشند . **یک** . فرزندتان را به سوی بلوغ عقلی ، جسمی ، روحانی و اجتماعی آموزش دهید . **دو** . فرزندتان را آموزش دهید تا حکیم باشد . **سه** ، فرزندتان را آموزش دهید تا دوست بدارد . خانواده های سالم مصالح ساختمانی **یک** ملت سالم هستند !

دوم . فرزندانتان را طوری تربیت کنید تا شهروندان خوب ملکوت خدا باشند . آنها را طوری تربیت کنید که به خدا در تمام شرایط اعتماد کنند . آنها را تربیت کنید تا بی قید و شرط خدا را اطاعت کنند . آنها را تربیت کنید تا زندگی مقدس و عدلانه ای داشته باشند از همه مهمتر آنها را طوری تربیت کنید تا خدا و همسایه شان را دوست بدارند و خودشان را بپذیرند .

(T) قدم ۴ . کاربرد .

افکار خود را به روشنی با یکدیگر در میان بگذارید و فهرستی از کاربردهای مکان پذیر تهیه کنید . توجه کنید خدا از شط می خواهد کدام کاربردامکان پذیر را تبدیل به کاربرد شخصی بسازید .

(S) کاربرد شخصی من این است . بخصوص می خواهم در زندگی این عادت را داشته باشم که مشورت والدینم را بطلبم و از حکمت آنها در زندگی بیاموزم . خودم تصمیم می گیرم و انتخاب می کنم اما می خواهم با جدی گرفتن نظرات والدینم به آنها احترام بگذارم .

(T) بخصوص می خواهم مشوق فرزندانم باشم و آنها را به مسئولیت پذیری ، ایجاد اعتقادات شخصی ، روابط بالغانه با مردم و بیان و کنترل احساساتشان تشویق کنم . می فهمم که این یکی از بزرگترین تکلیفهایی است که خدا به عنوان پدر یا مادر به من محول کرده است .

(S) قدم ۵ . دعا .

بسیار به نوبت در مورد یکی از حقایقی که خدا از افسسیان ۶ : ۱ – ۴ به ما یاد داده است دعا کنیم . پدر آسمانی عزیز ، کمک کن تا آنقدر فروتن باشم که از حکمت پدر و مادرم بیاموزم و وصیه های آنها را جدی بگیرم . و اگر نمی توانم از مشورت آنها پیروی کنم به من این فیض را بده تا به آنها احترام بگذارم .

(T) پدر آسمانی عزیز ، من را مصمم بساز که مشوق فرزندانم بشوم . به من حکمت بده تا آنها را طوری تربیت کنم که بالغ و مسئول ، بار آیند و برای جلال تو زندگی کنند . در نام عیسی دعا می کنیم . آمین !

(S) تکلیف برای هفته آینده

اول . مسئولیتهای خدادادی را که والدین و فرزندان مسیحی در یک خانواده دارند خلاصه کنید . دقت کنید که چطور می توانید مسئولیتهای خود را نسبت فرزند یا والدین تان انجام دهید .

دوم . بررسی هفته آینده از دوم قرننیا ۶ : ۱۴ تا ۷ : ۱ را آماده کنید . به یک مشارکت خانگی که در آن کتابمقدس را بررسی می کنند ملحق شوید . کتابهای دستور عمل “ بروید و شاگردان بسازید ” را ملاحظه کنید و به آدرس اینترنتی

www.dota.net مراجعه کنید . این آدرس را به حروف تکرار میکنم
سوم . هر شنبه تا چهارشنبه به برنامه “ دوره شاگردسازی از رادیو ” گوش کنید .